

انگار همین دیروز بود که پیش‌شماره‌ی نشریه‌ی دانشجویی نیناکی (زیتته‌ی فعلی) منتشر شده بود و شاید برای اولین بار در دانشکده‌ی فنی دانشگاه گیلان، دانشجویان نشریه‌ای را می‌دیدند که به زبان و ادبیات گیلکی می‌پردازد و می‌خواهد یک‌تنه در مقابل باورهای نادرست بسیاری از کسانی که پرداختن به زبان مادری را بی‌هوده و مضحک می‌دانستند، بایستند. انگار همین دیروز بود که در پیش‌شماره‌ی نیناکی، یادداشتی با عنوان «تو هویت دانی» آمده بود و ما خودمان را پی‌جوی هویت شناسانده بودیم.

دیروز نبود؛ درست خرداد ماه ۱۳۸۳ بود. چهار سال پیش و نیناکی پس از چهار شماره (یک پیش‌شماره و سه شماره‌ی اصلی) به زیتته تغییر نام داد و به این‌جا رسیدیم که هستیم!

از همان روز نخستی که پا به عرصه‌ی نشریات دانشجویی گذاشتیم، با چند نقد متفاوت روبه‌رو بودیم. گرچه برخی از اینان را نمی‌توان نقد نام نهاد. بقیه در صفحه ۲

فرهنگ، هویت، گیلک؛ چند بازتعریف

از نخستین شماره‌های نشریه‌ی نیناکی و بعدتر، زیتته، بارها و بارها از واژه‌ی «گیلک» به عنوان مردمانی با فرهنگ و هویت خاص خویش نام برده شده است و این‌بار تلاش داریم که در مجال کوتاهی، مخاطب زیتته را در تعریف این واژه و آنچه که از آن به عنوان هویت گیلکان نام می‌بریم آشنا سازیم. بنابراین، گام به گام به تبیین و تعریف و شاید بازتعریف واژگان کلیدی فرهنگ، هویت و گیلک می‌پردازیم.

بقیه در صفحه ۲۲

از خودبیگانگی

با نگاهی به اطراف خودمان می‌توانیم گفته‌ها و رفتارهایی را مشاهده کنیم که: «گیلان که جا نیست. باید برویم یک شهر دیگر!» «رشت بدترین شهرهای ایران است!» «زبان گیلکی خیلی زشت و بی‌کلاس است!» «به رشتی‌ها (گیلک‌ها) نباید اعتماد کرد!» صفحه ۲۳

بازگشت به گذشته، آری یا نه؟!

در جریان حوادثی که پیش از انقلاب و در راستای اصلاحاتی جهت هماهنگ و یک‌رنگ‌سازی فرهنگی مردمان ایران زمین با فرهنگ غرب (فرهنگی به غیر از فرهنگ ایرانی) انجام گرفت و لباس رنگینی که به اندیشه و افکار ایرانیان و قومیت‌های مختلف پوشانده شد، همین‌طور نحوه‌ی عمل‌کرد دولت و حکومت آن دوران در ایجاد نوعی عدم اتحاد بین قومیت‌های مختلف و مورد تمسخر قرار دادن بعضی از قومیت‌ها به واسطه‌ی نوع گویش و سایر ارزش‌های فرهنگی آن قوم و نژاد، بسیاری از افراد این اقوام در جهت محو کردن فرهنگ خاص خود بر آمدند.

رابطه‌ی هویت، زبان، کثرت در روان‌کاوی و مشکل ایرانیان در دست‌یابی به «کثرت در وحدت» مدرن

انسان در زبان می‌زید و زبانش در واقع بیان‌گر و ایجادگر هویت و فردیت اوست. در معنای روان‌کاوی لکان هر جمله و هر زبانی دارای دو حالت «زبان عبارت» و «زبان اشارت» است. به قول دکتر موللی «زبان عبارت» درباره صرف و نحو زبان و زبان صوری است ولی «زبان اشارت» جایگاه و بیانگر آرزومندی و تمنای بشری است. «زبان عبارت» بیانگر قواعد انتقال اطلاعات و خبر توسط زبان است و «زبان اشارت» در واقع معنای احساسی و معانی فرهنگی نهفته در کلمات و تمناها و احساسات ما در پی عشق و نفرت هستند که در واقع «هویت فرهنگی» ما را تشکیل می‌دهند و در قالب زبان خویش را بیان می‌کنند. بقیه در صفحه ۲۴

مطلب رضا خباز

فیلم شروع می‌شود. دوربین منظره‌ای از یک باغ چای را نشان می‌دهد. با درختی در گوشه کادر و مسیرسربالایی پیچ در پیچ و زیبا. زن چای کار در مسیر زیبا حرکت می‌کند. وسط

بقیه در صفحه ۲۵

زیتته

فرهنگی، هنری، اجتماعی به زبان گیلکی و فارسی
اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ خورشیدی. ۱۵۸۱ گیلانی، دبا ما
شماره‌ی هشتم، ۱۰۰ تومان

شعر و داستان گیلکی

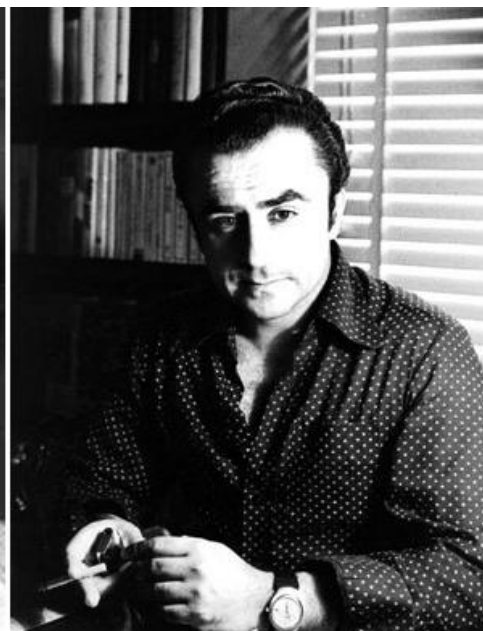
مروری بر روی‌دادهای فرهنگی،

هنری و اجتماعی گیلان

نگاهی به اخبار ۲۳:۴۵

گیلئون موسیقی

تصویر: اکبر رادی (نمایش‌نامه‌نویس) و احمد عاشورپور (خواننده).



مروری بر چند روی داد

محمدحسن فتوتی

یکم: یازدهم اردیبهشت ماه، تفاهم‌نامه‌ی ایجاد واحد بین‌الملل دانشگاه گیلان، بین مدیر عامل منطقه‌ی آزاد انزلی و رییس دانشگاه گیلان منعقد شد. کمال فیروزآبادی مدیر عامل سازمان منطقه‌ی آزاد انزلی، در این باره اظهار داشت:

این واحد در رشته‌های متناسب با ظرفیت‌های منطقه و دانشگاه گیلان و رشته‌هایی که دارای بازار جذب در کشورهای حاشیه خزر هستند، بر اساس نظام آموزشی جاری در مناطق آزاد کشور و وزارت علوم و فناوری اقدام به جذب دانشجو می‌کند. وی افزود: با توجه به این که بر اساس قانون چگونگی اداره‌ی مناطق آزاد تجاری صنعتی کشور، اتباع خارجی برای ورود مستقیم به مناطق آزاد از جمله منطقه‌ی آزاد انزلی از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز، نیاز به دریافت قبلی رواید نخواهند داشت، این مزیت ویژه‌ای برای گسترش مراودات و تعامل‌های علمی دانشگاهی است.

دوم: در همین روز (یازدهم اردیبهشت ماه)، جشن یکصد سالگی تئاتر گیلان نیز با حضور پیشکسوتان هنر تئاتر کشور و گیلان در رشت برگزار شد. در این جشن، هنرمندان پیش‌کسوت تئاتر کشور از جمله کیومرث ملک‌مطعی، ملکه رنجبر، رویا تیموریان، فرخ لقاء هوشمند، پروین تمجیدی، سعید پورصمیمی، بهروز بقایی، فرهاد بشارتی، فریده دریامج، عباس امیری و حسین مسافر آستانه حضور داشتند. همچنین به همین مناسبت نمایشگاه «عکس‌هایی از تاریخ تئاتر گیلان» در گالری حوزه‌ی هنری گیلان برگزار گردید.

سوم: مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان، در دومین جمعه‌ی اردیبهشت ماه، در نماز جمعه‌ی شهر آستارا، بر لزوم توجه مسئولان به تکمیل مجتمع فرهنگی و هنری این شهر تاکید کرد و بیان داشت: این طرح که ظرفیت هزار نفر تماشاگر را دارد، تاکنون ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته و اعتبارهای تخصیصی هر سال ناچیز بوده است. حجه‌الاسلام حمید پورعیسی اضافه کرد: هنرمندان آستارا نیز از قابل‌ترین و فعال‌ترین‌ها در استان گیلان هستند و باید به اندازه‌ی تلاش و تکاپو از امکانات لازم بهره‌مند باشند.

چهارم: در ماه‌های اخیر، شالی‌کاری در بسیاری از مناطق استان گیلان در حد خزانه‌گیری متوقف شده‌است و بسیاری از شالی‌کاران به دلیل کم‌آبی توان آماده‌سازی شالیزارهای

خود را ندارند. به خصوص اراضی پست‌تر و قسمت‌های انتهایی شبکه‌ی آبیاری سد سفیدرود در بخش مرکزی جلگه‌ی گیلان و مناطق زیباکنار، بندر کیشهر، آستانه اشرفیه، صومعه‌سرا و فومن با مشکل بیش‌تری نسبت به سایر اراضی روبه‌رو هستند. در همین راستا، چهاردهم اردیبهشت ماه، جلسه‌ای به منظور بررسی آخرین وضعیت اقدامات انجام شده در خصوص کاهش اثرات ناشی از تقلیل نزولات جوی در محل استانداری گیلان برگزار شد. در این جلسه که با حضور مقامات استانی برگزار گردید، قهرمانی، استاندار گیلان بیان داشت: با توجه به کاهش نزولات جوی در کشور بیش‌تر استان‌ها با کمبود آن مواجه هستند و در استان گیلان نیز با توجه به اهمیت موضوع باید با مدیریت صحیح بر منابع آبی و استفاده‌ی بهینه از امکانات موجود در فصل زراعی را با کم‌ترین آسیب سبزی کیم و کشاورزان نیز باید در مصرف آب نهایت دقت را داشته باشند. وی همچنین بر ضرورت استفاده از همه‌ی امکانات موجود در دستگاه‌ها برای مشکلات کم آبی تاکید کرد و گفت: همه‌ی مسئولین دستگاه‌ها باید با در اختیار قرار دادن هر نوع تجهیزات از قبیل پمپ آب، موتورهای برق، لوله‌های انتقال آب و... همکاری و مساعدت لازم را برای آبرسانی به مزارع کشاورزان داشته باشند.

پنجم: عملیات اجرایی مرمت پل مرزی ایران و جمهوری آذربایجان در منطقه‌ی آستارا از روز شنبه، چهاردهم اردیبهشت ماه، آغاز شد. فرماندار آستارا گفت: در این طرح، طرف ایرانی به مرمت و به‌سازی نیمی از این پل که به کشورمان تعلق دارد، اقدام خواهد کرد. در این طرح که حدود ۱/۷۵ میلیارد ریال هزینه خواهد داشت، هم‌چنین نسبت به بتن‌ریزی و تقویت حاشیه‌ی پل نیز اقدام می‌شود. پل فلزی مرزی آستاراچای حدود ۷۰ سال پیش ساخته شده و بر اساس اصل تالوگ، نیمی از رودخانه و پل به طرف ایرانی و نیم دیگر به جمهوری آذربایجان تعلق دارد.

ششم: معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه گیلان از رشد ۴۰ درصدی مقالات علمی انتشار یافته از سوی اعضای هیات علمی این دانشگاه در سال گذشته خبر داد. دکتر اکبر خداپرست افزود: در سال گذشته، ۳۷۰ عنوان مقاله‌ی علمی از سوی اعضای هیات علمی این دانشگاه در مجلات معتبر علمی پژوهشی منتشر شد، که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. وی اظهار داشت: از مجموع مقالات منتشر شده در سال گذشته، ۱۵۰ مقاله در مجلات ISI به چاپ رسیده است.

هفتم: مدیر جهاد کشاورزی بندرانزلی از صادرات دو هزار تن انواع محصولات زراعی از این شهرستان خبر داد. وی اظهار کرد: این میزان محصول کشاورزی صادر شده در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۳۰ درصد کاهش یافته است. وی افزود: این محصولات عمدتاً شامل کشمش، خرما، انجیر، پسته، میوه خشک، سویا و مرکبات بوده که از گمرک انزلی به خارج از کشور صادر شد. به گفته‌ی وی این محموله‌های کشاورزی عمدتاً به کشورهای روسیه، امارات، اردن، آلمان و هلند صادر شده‌اند.

منبع: ایرنا.

بقیه از صفحه‌ی اول

و انویس

از سویی برخی دوستان هر گونه تلاش فرهنگی برای زنده نگاه داشتن فرهنگ بومی را مشکوک و خطرناک قلمداد کرده و به آن برچسب‌های آن‌چنانی می‌زدند که البته این با تفکر اندیشمندان و نویسندگان ادبیات و فرهنگ گیلکی که همگی از فرزندان ایران‌اند در تضاد است.

و از سویی ما را کهنه‌پرست و ارتجاعی می‌دانستند و آن گزاره‌ی معروف «ای بابا! در عصر اینترنت و جهانی شدن، شما افتاده‌اید به دنبال زبان گیلکی و گمچ و دوغ و دوشاب؟!» حواله‌ی ما می‌شد.

در کنار هر دو این‌ها، این روزها برخی از جوانان گیلانی و مازندرانی، در توجه دوباره‌شان به فرهنگ بومی، دچار تندروی‌ها و قضاوت‌های نادرستی می‌شوند که دوست داشتن هویت بومی و زبان مادری خویش را هم‌زاد تنفر از دیگران و ایجاد حس برتری‌جویی می‌بینند که زیته بنا به احساس خطر و مسئولیت خویش در این باب و پاسخ دادن به دو دسته‌ی منتقدین نام‌آورده، در این شماره تلاش کرده است که با آوردن یادداشت‌هایی با نگاه‌های مخالف و موافق، به بررسی آن‌چه که تاکنون از آن به عنوان «هویت» نام برده بردازد و ضمن آن از دیدگاه‌های روان‌کاوی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و نیز فلسفه، نیم‌نگاهی به مفاهیمی چون هویت و قومیت داشته باشد.

ZITE

زیتة

زیتة در راستای پرداختن به فرهنگ و هویت گیلکی گام برمی‌دارد و به هیچ‌کس و هیچ‌جایی وابسته نیست. آرای مندرج در زیتة، لزوماً دیدگاه نشریه نمی‌باشد. مدیرمسئول و سردبیر: مهاجر معتمدی لشت‌نشایی با تشکر از پژوهشکده‌ی گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان

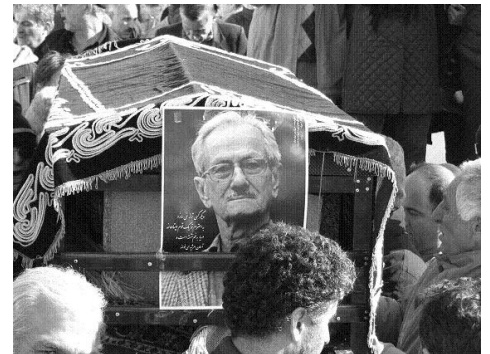
zite_zite@yahoo.com

گیلئون موسیقی

مہاجر معتمدی لشت نشائی

چند روز پیشان کہ خاستم زیتہ رہ ایتہ
مطلب بنویسم، بشوم ایتہ نوارفروشی تا
بیدیم تازہ کار چی بیرون بمأ. فوروشنده
اورسم کہ: گیلکی تازہ آلبوم چیزی بازار
بمأ؟

ایزہ بنسہ، بأزین بوتہ کہ: مگہ گیلئون
موسیقی دأرہ؟ بوتم: شیمی منظور چیسہ؟
ای ردیف نواروئہ مآ نشون بدأ (نزدیک ۱۰-۱۰۰)
وگردسہ بوتہ کہ ای چنسالہ ہی چن تہ کار بیرون
بمأ. در حالی کہ کوردون و لورون و ہی مازندرانیون
نزدیک ۵۰-۶۰ تہ کار موسیقی بیرون فدأ. بوتہ کہ
گیلون موسیقی، دہی ہفتاد مئن تمنأ بؤ و اونہ
دفن بگودد. علتہ اونہ واورسم کہ بوتہ: ونلیدی کار
بکوند، ونلیدی گیلان زاکون پیشرفت بکوند.
واورسم: کیئن؟ بوتہ کہ: ہوشونی کہ اشان کار
ایہ نای، نخایید دیگران بأید تا اشان جا پورا بی.



ای حرفہ کہ بزأ ما بہ ای فکر تودأ کہ چرہ بأ ایتؤ
بی؟ چرہ بأ امی موسیقی نسبت بہ امی ہمسایہ و
دیگر اوستانون رونق نداشتہ بی؟ مگر امو گیلونیئن
دیگرؤن جی چی کمتر دأریمی؟ وقتی امو، فریدون
پوررضا، سیدعلی زیباکناری، مرحوم عاشورپور، ناصر
مسعودی و... مورسن پیلہ موسیقی دان دأریمی، چرہ
امی وضع بأ ایتؤ بی؟ ایشون سوالاتی بو کہ می
ذہن درگیرأ گودہ و جوابی نداشتم.

بہ ہر حال او میدوارم گیلئون موسیقی، ای خورم
پیشینہ امرہ، ای وضع جی در بأیی. بہ امید آن روز.

تاسیون

سمیرا بزرگی

دررہ میون پیلہ بیام. صؤب سر کہ خاب جا پا بام و
آسموناً نگا کوردؤم، کواہ دیوم و آفتاوا کہ کواہ
پؤشت جا بیرون اومیہ و گاکلفیم، ابر و ترمی.

یہ تہ صؤب، پنج سالہ بام، مہ چیوموناً کہ بازأ کوردم،
کو پُر با از سفید و سیا لککہ ہون کہ تکون خوردنہ؛
گوسندون چرا کوردن!

مہ نگا کہ زمیناً خوردہ، روخون خشم و خوروشہ
دیومہ. مدرسہ شیآن زما ت روخون امرأ ہم سفر بام.

مہ پیلہ نانچہ اون روزون این با کہ بتونم پُل جا بیرم
سفیدرود آب میون. ہمیشہ حسرت جا پسرکوناً
نگا کوردم کہ آب میون شیرجہ زاینہ.

زمین امما مہ امرأ سازگاری نداشت. مہ ننہ ہمیشہ
گوتہ زمین یہ تہ گاو شاخ سر ایشتای. وختی گاو
خای زمیناً یہ شاخہ جا تاودہ اون پتا شاخ سر، زمین
لرزہ.

و گاو امنأ دررہ جا تاودا چای باغون میون. امہ خانہ
عوضاً بأ و ہنی سفیدرود صدا مہ گوش میون دبأ.
ہنی عوض نئیأ بؤم...

چای بوتہ ہون کوتا بن و مہ رویرو افق، دشت بأ و
جنگل. مونم ہنی زیتون دارون بن خوتا بوم و ہنی
«تور باد» مہ لخت موہوناً تکون دایہ و اصلن
ندیوم مہ تاب دار و نم بزبہ موہوناً.

بد دردی یا دربہ دری. غریب و غریبہ بأیم چای
سرزمین میون.

تابستون کش دار روز غروب بأ. امہ رہ مہمون بومیأ
بأ، اون غریب شہر میون. وقتی بشان، اوشن خالی

جا فریاد کوردہ. در و دیوار جا غم وارستہ.

مہ مار بوگوت «تاسیون بأ». اولین بار بأ تاسیوناً
اشناوستوم. بئیرتہ بگوم اولین بار بأ کہ تاسیوناً حس
کوردؤم. مہ مار جا آنپورسیوم تاسیون چہ معنی دہ.
تاسیون یعنی مہ اون تلخ خوردنگی روز؛ ہون
غمگین غروب.

عوضاً بام... دیہ خاک جا وابستہ نیوم. ہمیشہ مہ
کابوسہ کہ دوارہ تاسیوناً حس بکونم. دیہ ہیچ
روخون و کو و دار جا خاطرہ ندارم. دیہ زیتون دار
بن نخوتوم و نہ کواہ بدیوم و نہ سفیدرود امرأ
ہم سفر بیام... مہ سرزمین و خلق و خوی ام عوضاً بأ.

□

روشنفکری بی درمان دردہ. اون عامی فرد کہ کتاب
نخوندہ، دؤنہ چیی خوش دارہ، چیی نہ! خیلی یون
کہ ویشتر بخوندن فکر کُنن با تصمیم بگیری چیی
خوش بدارن.

ندونم! شاید اوشون نہ سفیدرودأ بیان و نہ چای
باغوناً. شاید اوشون ہیچ وخت زیتون دارہ بن نخوتن.
شاید ہیچ وخت تور باداً حس نکوردن و ہیچ وخت
تاسیوناً نفامستن.

اگہ یہ تہ دلیل بخام بؤرؤم کہ چرہ مہ مار زبؤنأ
خوش دارم، شاید این ببو کہ مہ خوردنگی روزوناً

تعریف بکوردہ. مہ

تلخ روزوناً، روزونی

کہ کاش ہیچ کی

اوشوناً تجربہ مکنہ.

ہرچند ہیچ وخت و

ہیچ جا، خوش داشتن

دلیل نخای...



زیتہ منتظر ارسال آثار شما نیز هست. ما را از نقد و پیشنهاد خود محروم نکنید.